

تحلیل محتوای کتاب‌های درسی علوم پایه‌ی پنجم و ششم ابتدایی براساس مهارت‌های فرایندی

سجاد سرابندی^۱، محمد خسروی طناک^۲

۱- دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید باهنر بیرجند

Sajadsrb1Y@gmail.com

۲- دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید باهنر بیرجند

tanakoliaYY@yahoo.com

چکیده:

پژوهش حاضر در صدد بررسی کتب علوم سال‌های پنجم و ششم ابتدایی بر مبنای میزان توجه به مهارت‌های فرایندی بر اساس نظریه برنارد اسپارک است. روش به کار رفته در این پژوهش تحلیل محتوای کمی بوده و جامعه آماری این پژوهش فعالیت‌ها، آزمایش‌کننده‌ها و دیگر سوالات متن کتب درسی علوم سال‌های پنجم و ششم ابتدایی است. ابزار تحقیق در این پژوهش جدول مقوله‌بندی است که مقوله‌های انتخاب شده از نظریه برنارد اسپارک که عبارتند از: مشاهده کردن، تفسیر یافته‌ها، فرضیه‌سازی، پیش‌بینی کردن، برقراری ارتباط بین اجزا و فعالیت‌ها در آن ذکر شده است. پژوهشگران بعد از تایید روایی مولفه‌ها توسط استاد و اثبات پایایی به جست‌وجو مولفه‌ها پرداختند که نتایج حاصله حاکی از آن بود که در کتاب علوم سال پنجم ابتدایی بیشترین توجه به مولفه مشاهده کردن با فراوانی ۲۴ و درصد فراوانی ۳۰/۷ شده است و مولفه برقراری ارتباط بین اجزا با فراوانی ۴ و درصد فراوانی ۵/۳ کمترین میزان توجه را به خود اختصاص داده است. پس از بررسی کتاب علوم سال ششم نتیجه آن شد که به مولفه مشاهده کردن با فراوانی ۲۴ و درصد فراوانی ۲۵/۵ بیشترین توجه را به خود اختصاص داده است و به مولفه فعالیت با فراوانی ۷ و درصد فراوانی ۷ کمترین توجه شده است.

واژه‌گان کلیدی: مشاهده کردن، تفسیر یافته‌ها، فرضیه‌سازی، پیش‌بینی کردن، برقراری ارتباط بین اجزا

مقدمه

تغییرات و تحولات گسترده فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی عصر حاضر مشکلات جدید و انتظارات تازه‌ای را برای نظام‌های آموزش و پرورش جهان به وجود آورده است. همزمان با این تغییرات و مطابق با توسعه روزافزون فناوری‌های جدید آموزش علوم و روش‌های آن به عنوان یکی از پایه‌های اساسی آموزش و پرورش همواره توجه صاحب‌نظران آموزشی را به خود جلب نموده است زیرا آنان به خوبی دریافته‌اند که یادگیری مفاهیم علوم و استفاده از روش‌های فعال یاددهی-یادگیری می‌تواند تاثیر مستقیمی در توسعه همه جانبه کشورها و افزایش سرمایه‌های مادی و معنوی آنان را به دنبال داشته‌باشد زیرا یکی از مهمترین دستاوردهای آموزش علوم در مدارس تربیت افرادی است که دارای معلومات و آگاهی‌های لازم بوده تا بتوانند منطقی بیندیشند، و آگاهانه تصمیم بگیرند. (هارلن، ۱۹۹۹)

یکی از بارزترین ویژگی‌های انسان تفکر است که یک فرایند گام به گام و دارای یک چارچوب منطقی و نظام‌دار است که با در نظر داشتن هدف و غایتی مشخص شکل می‌گیرد و از طریق آن شخص بر اساس شواهد و مدارک پیرامون موقعیت داور می‌کند و با تحلیل و ارزشیابی عناصر موقعیتی که با آن مواجه شده است به شناختی تازه می‌رسد یا به حل مسئله‌ای تازه می‌پردازد. هنگامی که فرد با مسئله‌ای یا مشکلی مواجه روبه‌رو می‌شود باید آن را بررسی کند و به خلق راه حل‌های تازه بی‌اندیشد تا به هدف خویش دست یابد (شعبانی، ۱۳۸۲).

مدرسه باید قوه عقل و استدلال و تفکر دانش‌آموز را به نحوی تقویت کند که بتواند درست قضاوت کند و عقاید را از حقایق و سفسطه را از استدلال منطقی تشخیص دهد و در نهایت بیاموزد که چگونه فکر کند و بیاموزد (مهرمحمدی، ۱۳۸۷).